



جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۱۲ ■ ۲۷ مرداد ۱۴۰۱

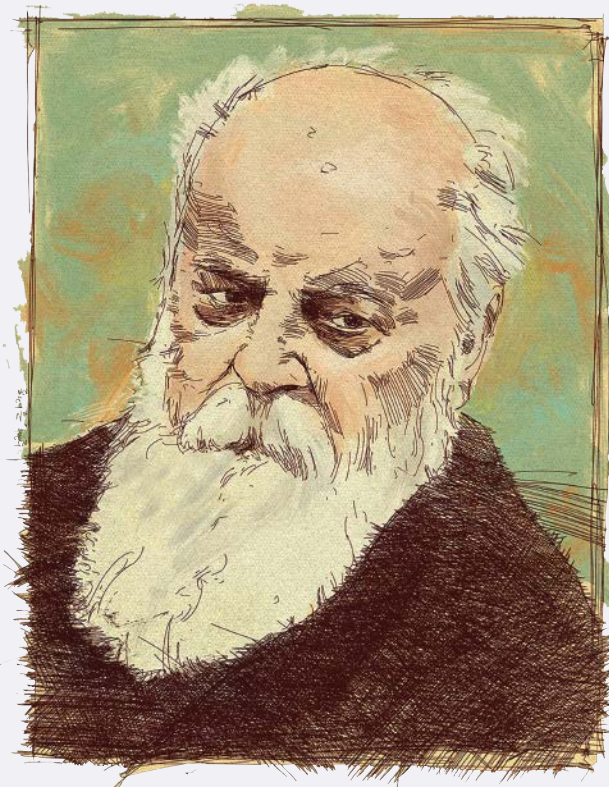
نوبوژانه



عطیه ضرابی



## سایه ارغوان



آن پیرپرنیان اندیش، آن مسافر درون خویش، آن شاعر پرتپرداره آن در بند ارغوان گرفتار، آن غمگین معاصر، آن در همه حال شاعر، آن صاحب اشعار پرمایه، آن ملقب به سایه، پژو هسگر این مرزو بوم، امیر هوشنگ ابتهاج بود که ۹۴ سال پیش چشم به جهان گشود و به دلیل خستگی مفرط در همین اواخر چشم‌هایش را از دنیا دزدید. بر حسب اسناد و تصاویر متحرک که با دوربین‌ها ضبط شده و تحلیل کارشناسانه استوری‌گذاران همیشه در صحنه، غمی در صدا و چشم‌های سایه مشاهده می‌شد که آدم با شنیدن شعرهایش، هوس یک بار عاشق شدن و شکست عشقی خوردن می‌کرد تا حداقل یک بار بتواند زیر لب ابیاتش را بجناند.

در نسخ خطی به نام توییتر امروزی‌ها آورده‌اند که سایه علاوه بر حزنی همیشگی، عشقی را با خودش حمل می‌کرده که دوری‌اش را طاقت نداشته. در تایم‌لاین توییتر شلوغ این روزها، بنده به تعداد ۷۰۰ هزار بار خواندم که سایه بسیار عاشق همسرش، آلم‌ا بوده و نتوانسته بیشتر از پنج ماه دوری‌اش را تاب بیاورد! خدا شانس بدهد. نام همسرش آلم‌ا بوده؛ آلم‌ا به زبان ترکی می‌شود سیب. البته حسودی‌تان نشود، جوانان ما این روزها خودشان یکی یک دانه آلم‌ا در جیب‌شان دارند. هرچند قسطی، هرچند نیم‌خورده، هرچند مصنوعی اما بالاخره ایل است دیگر. در بعضی موارد مشاهده شده که همین ایل استیو جابز را بیشتر از همسران‌شان ارج می‌نهند. خدا عقل بدهد. بیشتر این ترانه‌هایی که آدم قدیمی‌ها، پشت فرمان و هنگام فکر کردن زیر لب زمزمه می‌کنند و کیف می‌برند، سروده همین جناب سایه است. «ایران ای سرای امید» را هم امیر هوشنگ ابتهاج قلم زده و الحق که همه‌مان شنیده‌ایم. شاید قوه تفکر‌تان کمی کنج‌گاو باشد تا بدانید چرا ابتهاج، تخلص سایه را برای خودش انتخاب کرده است؟ با شنیدن کلمه سایه یاد چه چیزی می‌افتید؟ ابتهاج گفته بود حرف‌ها و واژه‌ها برایش رنگ دارند؛ سردی و گرمی از آنها حس می‌کند و به گمان او در کلمه سایه یک مقدار آرامش و خجالتی بودن و فروتنی و بی‌آزاری وجود دارد. این‌ها برای سایه جالب بوده و با طبیعتش می‌ساخته. شما اگر بخواهید واژه‌ای برای تخلص‌تان انتخاب کنید چه می‌کنید؟ آن‌طور که از شواهد پیداست، ابتهاج به مدت شش سال سرپرست برنامه گل‌ها در رادیوی ایران بود. در همین اثنا، برنامه موسیقایی گلچین هفته را هم بنیان نهاد. او آنچنان این برنامه را محکم بنیان نهاد که هنوز هم بنیانش از جا در نیامده و به موسیقی‌های درخواستی و دیگر مشتقات، تغییر کاربری داده است. حتماً یک بار هم که شده در استوری، استاتوس و پست‌های افرادی که فاز شکست عشقی و زندگی عرفانی و فلسفی گرفته‌اند، جمله «آسمان تو چه رنگ است امروز» را شنیده‌اید. این یک جمله از شعر معروف سایه

به نام ارغوان است؛ ارغوان داستان زیبایی دارد. ارغوان درختی بوده در حیاط خانه سایه که او بسیار به آن عشق می‌ورزیده و هنگامی که از او جدا می‌شود، دلتنگی عجیبی سراغ‌گلویش می‌آید و بغضی دائمی مهمانش می‌شود. این خانه سال ۱۳۸۷ به نام خانه ارغوان به ثبت سازمان میراث فرهنگی درآمد. از مهم‌ترین آثاری که امیر هوشنگ ابتهاج دارد «حافظ به سعی سایه» است که تصحیح او از غزل‌های لسان‌الغیب است که برای اولین بار در سال ۷۲ از نشر چشمه منتشر شد و در نهایت آن را به همسرش بابت تمام زحمات‌هایش پیشکش کرد. ماهم در این تذکره به شرح و بیان و نبشتن زندگی از سر گذرانده ابتهاج پرداخته‌ایم و باید این مطلب را تذکره به سعی سایه نامگذاری کنیم. سایه هم در آغاز، همچون شهریار چندی کوشید تا به راه نیما برود اما نگرش مدرن و اجتماعی شعر نیما به‌ویژه پس از سرایش ققنوس با طبع او که اساساً شاعری غزلسرا بود، همخوانی نداشت. پس راه خود را که همان سرودن غزل بود، دنبال کرد و برای همین است که ما غزل‌های ابتهاج را به یاد داریم. «در این سرای بی‌کسی» هم یکی دیگر از غزل‌های سایه است از آن جملات لایک‌خور و رشد‌دهنده پیچ با ضمانت و صد درصد تضمینی. برای خرید پکیج تک‌بیت‌های امیر هوشنگ ابتهاج فقط کافی است این صفحه از نوجوانه را به صورت موشک تانکرده و به نشانی روزنامه جام‌جم در یکی از بلوارهای تهران بفرستید. ببخشید که ما درگاه انتقال وجه نداریم و شما قرار است سختی زیادی را متحمل شوید. در همین اوضاع که ما داریم از مصرع‌ها و ذوق هنری سایه استفاده ابزاری می‌کنیم و نانی برای خوردن درمی‌آوریم. خوب است بدانید در مهر ۹۷ در مراسم پایانی ششمین جشنواره بین‌المللی هنر برای صلح، نشان عالی «هنر برای صلح» به هوشنگ ابتهاج و سه هنرمند دیگر اهدا شد و ما هنوز اندر خم یک کوچه برای خفت کردن شماییم. اگر کمی ساده باشید و وا بدهید و پول واریز کنید، این دنگ و فنگ‌ها تمام می‌شود و ما هم به یک نان و نوبی می‌رسیم و پی علاقه‌مان را می‌گیریم. در علامه دهر این روزها، ویکی پدیا آمده است هوشنگ فقط هشت یا ۹ ساله بوده که یکی از همشاگردی‌هایش از او و دو قربانی دیگر می‌خواهد نام خود و پدر و مادرشان را روی یک تکه کاغذ بنویسند تا شب‌هنگام نزد پدر ببرد و آینده‌آنان را پیشگویی کند. آن مرد گویا روحانی و اهل دل بوده و چند مورد را برای هر یک می‌نویسد. درباره امیر هوشنگ نوشته بود آینده تو با «سخن» گره می‌خورد و «خانواده پرجمعیت» تشکیل می‌دهی و ۹۴ سال زندگی می‌کنی و همین هم شد. چه صعب و سخت است اگر آدم از زمان مرگش مطلع باشد. سایه در ۹۴ سالگی در شهر کلن آلمان به علت نارسایی کلیه و کهولت سن درگذشت. آسمان تو چه رنگ است امروز؟

### موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام‌جم، برگزار می‌کند



**مدرسه ی تربیت منتقد، به عنوان اولین و جامع ترین مرکز تربیت تحلیل‌گران و منتقدین سینما، با شناخته شده ترین مدرسین سینما، قصد دارد، کارشناسان، منتقدان و روزنامه نگارانی را پرورش دهد تا بتوانند درست فیلم ببینند و عمیق و دقیق، آن را تحلیل کنند.**

برای ثبت نام فایلی شامل مشخصات، مهارت‌ها، سوابق و نمونه کارها (در صورت وجود) را به نشانی QR کد زیر ارسال فرمایید.

**جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفاً با شماره ۰۲۱۲۳۰۰۴۱۰۷ تماس بگیرید.**

برای ثبت نام اسکن کنید

